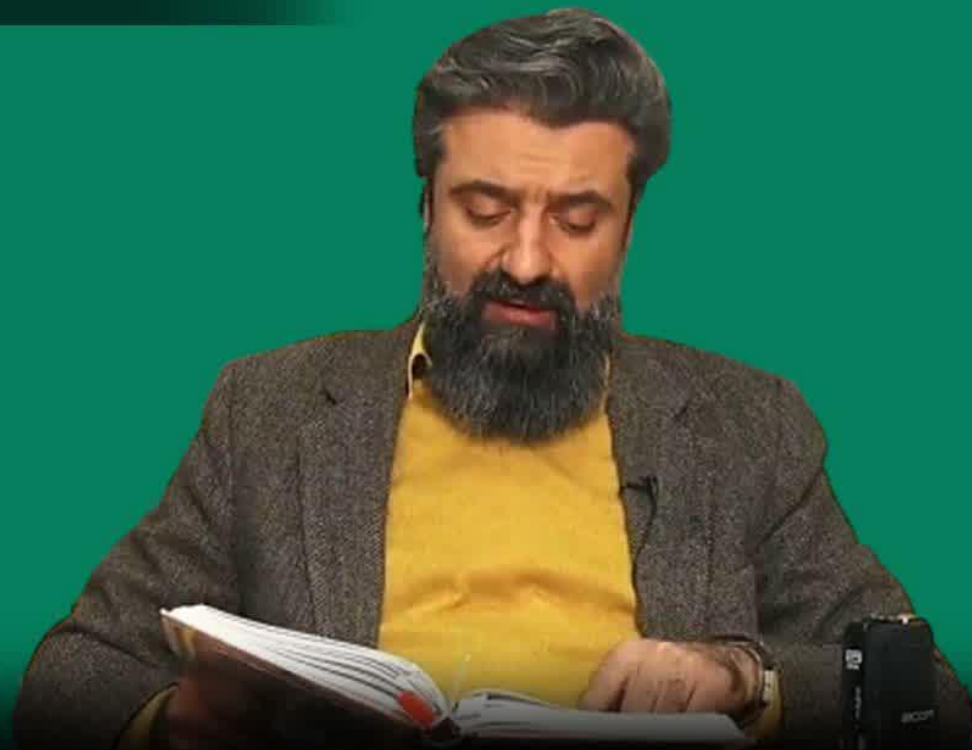


دکتر باقرپور کاشانی



تحلیل محتوایی و سندی روایت
سلاح بودن علم پیامبر

صلى الله
عليه وآله
وسلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحلیل محتوایی و سندی روایت سلاح بودن علم پیامبر ﷺ

مرحوم علامه مجلسی در مرآة العقول جلد سوم صفحه ۵۴ که شرح روایات کافی شریف را دارد، همین استفاده را ایشان کرده که فرمودند:

«مزائله یعنی مفارقت و جدایی، و سؤال [راوی] به این جهت است که آیا امکان دارد سلاح در نزد کسی باشد که علم - جمیع آنچه که امت نیاز دارد را - نداشته باشد؟ مثل بنی الحسن؟ حضرت فرمودند: خیر. پس همان طور که سلاح دلیل بر امامت است، ملزوم برای علم هم می باشد».

یعنی می خواهم بگویم از این عبارتها استفاده نکرده، خود علامه هم که خبره حدیث هست بگوید نه اینها به معنی یکی هستند! چنین چیزی را در نظر نگرفته!

حالا ببینید یک روایتی بزرگواران یمانی استفاده می کنند، این روایت این است که پیامبر فرمودند:

«الْعِلْمُ سِلَاحِي»؛ علم سلاح من است.

می گویند خود پیامبر گفته علم سلاح من است! پس اینکه گفته که یکی از چیزهایی که به حجج الهی می رسد سلاح است، یعنی علم می رسد! گاهی اوقات این را استفاده کردند!

بینید اگر دوستان یمانی توانستند که این روایت را یک سند معتبر بیاورند! این در منابع عامه هست، اهل تسنن آوردند! اگر شما بتوانید که در کتاب های شیعه بیاورید و سند درستی باشد که من پیدا نکردم اگر دوستان بتوانند بیاورند این خیلی مناسب است. حالا این روایت را وقتی نگاه بکنیم جالب این است که این روایت، قبل و بعد هم دارد! بعد کاملاً می فهمیم این تشبیه بوده! مثلاً گاهی اوقات همین عبارت را می آورند الْعِلْمُ سِلَاحِي! پیامبر سلاح داشته بله می گوید سلاح چه چیزی بوده؟! علمش بوده! روایت این گونه هست، صرف نظر از اینکه گفتم در منابع خاصه سندیتی ندارد این برمی گردد به منابع عامه، اما ما همین هم بخواهیم قبول بکنیم، کاملاً روشن است که این در مقام تشبیه هست! حدیث این است که نبی مکرم اسلام فرمودند: «الْحُبُّ أَسَاسِي، وَ الشَّوْقُ مَرْكَبِي، وَ الْخَوْفُ رَفِيقِي، وَ الْعِلْمُ سِلَاحِي، وَ الْحِلْمُ صَاحِبِي». یعنی اساس، حب هست؛ مَرَكَب چیست؟ مَرَكَب شوق هست، رفیق چیست؟ خوف هست، صاحب چیست؟ حلم

هست. حالا اگر بنا باشد این‌ها همه را یک چیز دیگر بنویسند، باید یک دیکشنری دیگری بنویسیم. این‌ها تشبیه هست! مثل همین که عرض کردم مثلاً می‌گویند سلاح دانش‌آموز قلمش هست، سلاح، یکی از ادوات جنگی است، نه اینکه این دارد می‌جنگد! یعنی می‌خواهد بگوید که همان وظیفه و خدماتی که یک سرباز مثلاً دارد انجام می‌دهد، یک مدافع دارد انجام می‌دهد، یک دانش‌آموز هم چنین کاری را دارد انجام می‌دهد! این‌ها تشبیه هست!

یا مثلاً تشبیه کردند که این نور عقل نسبت به روح تو به مانند چراغ در وسط اتاق هست! این‌ها همه تشبیه هست! همچنان که ما می‌بینیم تا قبل و بعد این کاملاً روشن است.

یا مثلاً فرض کنید که با سلاح علم می‌توانیم به جنگ جهل برویم، به جنگ اشکالات جاهلان برویم. اما نه اینکه با این علم داریم می‌جنگیم به معنای حقیقی!

پس لذا این حدیث عرض کردم که صرف نظر از اینکه ما بخواهیم سندیت این را بررسی بکنیم، اولاً در منابع شیعه که من پیدا نکردم! یعنی سندیتی پیدا نکردم، اگر هم آوردند نگاه کردم در منابع عامه هست! و در منابع عامه

که چنین چیزی آوردند اصلاً هم سندش درست، می‌خواهم بگویم این‌ها همه تشبیه هست! و آن روایت‌های دیگری هست که توضیح دادن این سلاح چنین و چنان هست! پرچم نبی اکرم و ویژگی‌هایی دارد! این پرچم را به معنای دعوت به حاکمیت خدا بخواهیم بگوییم، نه آن پرچم دست امام زمان علیه‌السلام هست! آن پرچم از بهشت آورده شده، پارچه‌اش ویژگی‌هایی دارد! این‌ها در حدیث آمده! که یادم است در همان دورهٔ قبلی که بیان‌الفرقان را تدریس می‌کردم یک قسمت در خصوص همین سلاح و پرچم نبی اکرم روایاتی را توضیح دادیم. پس ما نمی‌توانیم به این معنا این را در نظر بگیریم و به همین صورت بخواهد باشد!

حتی مثلاً ما روایت داریم در همین کافی شریف جلد اول صفحهٔ ۲۳۵ که حضرت باقر علیه‌السلام فرمودند که وقتی رسول خدا قبض روح شد علی علیه‌السلام، علم و سلاحش را به ارث برد. می‌گفتند علمش یا می‌گفتند سلاحش! همین که می‌گویند یعنی دو تا را دارد می‌رساند! کاملاً روشن است نسبت به اینکه سلاح به تعبیری غیر از علم هست!

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ